



ضرورت توجه به سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز

در راستای توسعه پایدار کشاورزی، است. چندبعدی بودن توسعه از یک طرف، پیچیدگی‌های مربوط به پایداری از سوی دیگر و ویژگی‌های کالاها و بخش کشاورزی (بویژه در کشورهای در حال توسعه)، موضوع مورد بحث را به یک سه‌ضلعی بسیار پیچیده تبدیل می‌کند که سیاست‌گذاری (ساخت و اجرای سیاست) در این زمینه را نیازمند پویایی و دقت زیادی می‌نماید. در این نوشتار به‌طور مختصر جنبه‌های مختلف موضوع، مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدیهی است که هر یک از موضوعات مورد بحث نیازمند بررسی‌ها و دقت بیشتری بویژه در مرحله عملیاتی آن است. واژه توسعه یک جریان چندبعدی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) به هم پیوسته، کیفی و غامض است. معیارها و شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری آن وجود دارد

♦ دکتر حسین مهرابی بشرآبادی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان



علی‌رغم این‌که توجه به پایداری در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تقریباً روند صعودی داشته است، اما تداوم روند فعلی، بدون اصلاحات و تغییرات جدی، موجب بهبود اساسی وضعیت نظام کشاورزی و افزایش پایداری آن نمی‌گردد. کشاورزی به‌عنوان سبزترین بخش اقتصاد، دارای نقش تعیین‌کننده‌ای در مساعدت‌های نوین خود به کل توسعه اقتصادی کشورها است. لذا به‌زعم نگارنده، سیاست‌های کشاورزی نیازمند تغییرات اساسی و تقویت

حداقل خودش می‌داند که چه چیزی می‌خواهد و با تأمین چه خواسته‌هایی به عدالت می‌رسد، هرچند اعمال متضاد افراد مختلف را نیز در برگیرد، اما به نظر می‌رسد که پایداری یا اساساً از جنس این مفاهیم نیست یا هنوز به این مرحله نرسیده است و از این رو ممکن است دستاویز هر گروه و دیدگاهی مانند سیاستمداران، ثروتمندان و ... در راستای منافع و اهداف شخصی و گروهی خود، گردد. ابهام اصطلاح پایداری در کشاورزی پایدار به مراتب بیشتر از اصطلاح پایداری در «توسعه پایدار» است. جدا کردن لغت پایداری از ترکیب لغوی توسعه پایدار و قرار دادن آن در کنار لغت کشاورزی چندان با کارکرد این اصطلاح در ترکیب توسعه پایدار و مفهوم آن سازگاری و مشابهت ندارد؛ به‌عنوان مثال گوناگونی تعاریف و چیستی کشاورزی پایدار توسط ولتن و همکاران با مرور بیش از ۱۵۰ منبع علمی معتبر بررسی شده است. آن‌ها تعاریف بسیار متنوعی از کشاورزی پایدار را برشمردند و توانستند اهداف آن را در قالب زمینه‌های موضوعی و طبقات مختلف نشان دهند. بر اساس این بررسی، اهداف مسلط شامل طبقات اخلاق، چندکارکردی بودن، امنیت و ثبات و انعطاف‌پذیری است. اهداف زیست‌محیطی ویژه تولید شامل هدف عمومی سلامت و بهداشت اکولوژیکی و اهداف خاص حفاظت از کارکردهای اکوسیستم، حفاظت منابع طبیعی و ظرفیت مولد و اهداف زیست‌محیطی ناویژه تولید شامل هدف عمومی سلامت و بهداشت اکولوژیکی و اهداف خاص رفاه، حفاظت و بهبود محیط زیستی و هماهنگی با طبیعت هستند. اهداف اجتماعی دربرگیرنده تعهد اجتماعی به‌عنوان هدف عمومی و مقبولیت، حفظ فرهنگ، برابری، عدالت، انصاف و عدم تبعیض، ارضای نیازهای انسانی (همه نسل‌ها)، شرایط کاری مناسب، سلامت و بهداشت انسان، تغذیه، کیفیت زندگی و توان‌بخشی به جوامع به‌عنوان اهداف خاص می‌باشند و نهایتاً، در اهداف اقتصادی، هدف کلی دوام‌پذیری اقتصادی و اهداف خاص توسعه، امرامعاش، تأمین محصولات و اقتصاد و اشتغال پررونق را در برمی‌گیرد. لذا مسئله مهم در تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز، دستیابی به یک درک و شناخت مشترک عملی مبتنی بر پایداری بین گروه‌های مختلف (دینفعان، کشاورزان، واسطه‌ها، دولت، مصرف‌کنندگان و ...) است و در این صورت پایداری کشاورزی می‌تواند ابزاری کاربردی در اختیار تصمیم‌گیرندگان جهت کمک به مدیریت بخش

که هرکدام دارای محاسن و معایبی است. نظریه‌های توسعه از ۱۹۶۰ به این‌طرف شاهد تحولات بسیار اساسی بوده و منجر به اختلاف‌نظرهای زیادی در بین مکاتب و سیستم‌های مختلف اقتصادی (بویژه بین اقتصاددانان چپ و راست) شده است که در این مقوله، فرصت پرداختن به آن نیست.

در مورد درک مفهوم پایداری کشاورزی، مشکل اصلی اینجاست که همه در مورد اهمیت پایداری و توجه روزافزون به آن اتفاق نظر دارند، اما در مورد مفهوم، شاخص‌ها، ضرایب و اوزان ابعاد مختلف آن، بهترین راهکارهای عملی و ... اتفاق نظر ندارند. پایداری دارای اهداف متفاوتی بوده و دارای چهار بعد اصلی اجتماعی (رشد و ترکیب جمعیت، آموزش، فقر و ...)، اقتصادی (تکنولوژی، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و ...)، زیست‌محیطی و طبیعی (زمین، آب، هوا، تنوع زیستی و ...) و سیاسی (حکمرانی، قانون، برنامه و سیاست و ...) است. مباحث بسیار زیادی توسط سیاست‌گذاران، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، ملی و محلی، درباره توسعه پایدار کشاورزی (در مقابل توسعه کشاورزی صرف) مطرح شده و دستیابی به آن ازجمله مهم‌ترین اهداف و نیاز مبرم برای افزایش پایداری کشاورزی در جهان است.

دولت‌ها در سیاست‌گذاری برای کشاورزی نیازمند پاسخ به ۲ سؤال اساسی هستند. اولاً که پایداری کشاورزی چیست؟ و ثانیاً، چگونه می‌توان در جهت آن حرکت (سیاست‌گذاری) کرد یا در مسیر آن باقی ماند؟ پایداری کشاورزی زمانی می‌تواند مفید باشد که ۲ شرط را داشته باشد. اولاً، از یک سو بتواند معنی مشخصی (که منظورش است) را تداعی کند و از سوی دیگر از سایر معانی (که منظورش نیست) متمایز باشد. ثانیاً، ما به ازای بیرونی (واقعی) داشته باشد.

مشکل اینجاست که اگرچه ایده کشاورزی پایدار از زمان انتشار گزارش بروندتلند در سال ۱۹۸۷ اهمیت بسیار یافته است، اما مفهوم کشاورزی پایدار هنوز دارای معانی بسیار گنگ و مبهمی است که باعث می‌شود استفاده و اجرای عملی آن دشوار گردد. لذا در بهترین حالت، پایداری کشاورزی به‌صورت یک «هیچ بزرگ» باقی می‌ماند. برخی مانند جاکوبز، اسکالر، تامپسون و بل و مورس، پایداری را با مفاهیم حقیقت، عدالت اجتماعی و دموکراسی مقایسه کرده‌اند که این امر صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا این مفاهیم، معانی خود را می‌رسانند؛ مثلاً وقتی فردی خواستار عدالت است

مسئله مهم در تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز، دستیابی به یک درک و شناخت مشترک عملی مبتنی بر پایداری بین گروه‌های مختلف (دینفعان، کشاورزان، واسطه‌ها، دولت، مصرف‌کنندگان و ...) است و در این صورت پایداری کشاورزی می‌تواند ابزاری کاربردی در اختیار تصمیم‌گیرندگان جهت کمک به مدیریت بخش کشاورزی و تدوین سیاست‌های توسعه پایدار در سطوح مختلف، قرار دهد.

کشاورزی و تدوین سیاست‌های توسعه پایدار در سطوح مختلف، قرار دهد.

در خصوص ویژگی‌های کشاورزان، کالاهای و بخش کشاورزی (به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه)، لازم به توضیح است که بخش کشاورزی دارای مساعده‌های سنتی زیادی همانند غذا و امنیت غذایی، بازار، مواد خام و ... در جریان توسعه اقتصادی است و در شرایط جدید مسائلی مانند خوداتکایی، بهداشت مواد غذایی (محصولات ارگانیک و...)، کشاورزی دانش‌بنیان، توسعه فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات و ... هم به آن اضافه شده است. مجموعه این عوامل باعث افزایش اهمیت و توجه به این بخش به‌عنوان سبزترین بخش اقتصاد، شده است. بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه دارای تفاوت‌های اساسی با کشورهای توسعه یافته است. عمده‌ترین این تفاوت‌ها در متوسط اندازه مزارع، سطح تکنولوژی، کشتش درآمدی تقاضای مواد غذایی، ضریب نفوذ دانش، ترکیب عوامل تولید، صنایع تبدیلی، نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی، اندازه مداخلات دولت و ... است. از این‌رو الگوپردازی از مدل‌های کشورهای توسعه یافته ممکن است منجر به رسیدن به اهداف سیاستی مدنظر نگردد.

ویژگی‌های اصلی بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه عمدتاً شامل بالا بودن انواع ریسک، سنتی بودن کشاورزان، خرده‌پا بودن کشاورزان، معیشتی بودن کشاورزان، قوانین نامناسب آب، زمین، جنگل و ... است. در این کشورها کشاورزان تصمیم‌گیرندگان اصلی در مزرعه هستند (تصمیماتی همانند نوع کشت، سیستم آبیاری، زمان آبیاری، میزان استفاده از انواع کودها و ...) و طبیعی است که کشاورزان اغلب سنتی، ریسک‌گریز، خرده‌پا و معیشتی درصدد به حداکثر رساندن سود و نفع شخصی خود در چارچوب قوانین، شرایط موجود و قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری و توابع ذهنی خود هستند. قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری و توابع ذهنی کشاورزان (فرهنگ، شیوه تفکر اجتماعی، محیط، توابع تولید، پیش‌بینی از قیمت‌ها در آینده، انتظارات و ...) ممکن است با واقعیت‌های موجود و نیز وضعیت بهینه یا هدف مدنظر سیاست‌گذار دارای تفاوت‌های اساسی باشد. هرچه این شکاف بیشتر باشد، اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی، دشوارتر است. مجدداً یادآوری می‌شود که کشاورزان در خط مقدم تولید و تخصیص منابع قرار دارند و عدم درک صحیح سیاست‌گذار از قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری

و توابع ذهنی کشاورزان می‌تواند منجر به ناکارآمدی سیاست‌های ابلاغی گردد. عدم درک صحیح مجریان میانی، ناکافی بودن بودجه‌های اجرایی، مشکلات فنی و اجرایی، فساد و ... هم می‌تواند منجر به افزایش این ناکارآمدی گردد. در این راستا استفاده از تجربیات کشاورزان می‌تواند تا حدی فرایند سیاست را از حالت خطی (بالا به پایین) به حالت دایره‌ای تبدیل کند. این امر موجب افزایش خوداتکایی بهره‌برداران شده و همچنین اجرای این سازوکار با استفاده سودمند از سرمایه اجتماعی، توانایی مردم را برای انجام کارگروهی در حل مشکلاتی همانند دفع آفات، روش‌های آبیاری، احیاء جنگل و ... افزایش می‌دهد. عملیات کشاورزی پایدار شامل تکنیک‌های گوناگون و به‌هم‌پیوسته می‌باشند که در برخی موارد به‌صورت دانش بومی در مناطق روستایی وجود دارد؛ مثلاً کنترل بیولوژیکی می‌تواند از لحاظ اقتصادی عملی و بوم‌شناسی روش مطمئنی باشد، اما معایبی نیز دارد که نیاز به بررسی بیشتر دارد و در این مقوله جای بحث آن نیست. در زمینه حفظ سرمایه‌های عمومی مانند حیات‌وحش، روش آبیاری، تنوع زیستی، همبستگی اجتماعی و ... هم مثال‌های زیادی وجود دارد.

با توجه به موارد توضیح داده شده به نظر می‌رسد سنجش آثار سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی (نقاط قوت و ضعف) می‌تواند منجر به دروسی از آن‌ها برای تهیه سیاست‌های کارآمدتر باشد. آنچه که در حال حاضر مهم‌تر از همه به نظر می‌رسد و نسبتاً به آن توجه زیادی هم می‌شود، بهره‌برداری پایدار از منابع آب است که ارتقای راندمان آبیاری از طریق اجرای عملیات زیربنایی آب‌و خاک (از جمله طرح‌های تجهیز و نوسازی، توسعه شبکه‌ها، زهکش‌ها و روش‌های نوین آبیاری و اجرای عملیات به‌زراعی و به‌نژادی)، تحویل آب موردنیاز کشاورزان به‌صورت حجمی براساس الگوی کشت هر منطقه، اعتبارات آبیاری تحت‌فشار و ... است. بعد از آب، توجه به حفظ منابع خاک و جنگل، گسترش مبارزه تلفیقی با آفات و بیماری‌های گیاهی، جلوگیری از مصرف غیر بهینه سموم، کود شیمیایی، داروهای دامی و ... همچنین مبارزه بیولوژیکی و توسعه کشت محصولات ارگانیک، مدیریت تلفیقی تولید و اعمال استانداردهای ملی کنترل کیفی تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی، نوسازی ماشین‌آلات کشاورزی و از رده خارج کردن ماشین‌آلات فرسوده و توسعه بومی مکانیزاسیون، ظرفیت، قابلیت و توانایی کشاورزان هر منطقه و ... جزو مواردی

ویژگی‌های اصلی

بخش کشاورزی

در کشورهای

درحال توسعه

عمدتاً شامل

بالا بودن انواع

ریسک، سنتی

بودن کشاورزان،

خرده‌پا بودن

کشاورزان،

معیشتی بودن

کشاورزان، قوانین

نامناسب آب،

زمین، جنگل و

... است. در این

کشورها کشاورزان

تصمیم‌گیرندگان

اصلی در مزرعه

هستند و طبیعی

است که کشاورزان

اغلب سنتی،

ریسک‌گریز،

خرده‌پا و معیشتی

درصدد به

حداکثر رساندن

سود و نفع

شخصی خود در

چارچوب قوانین،

شرایط موجود

و قضاوت‌ها،

ارزش‌ها،

حسابداری و

توابع ذهنی خود

هستند.



هستند که باید در سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی مد نظر قرار گیرند که بدون توجه به موارد پیش‌گفته (مثلث مورد بحث)، اثربخشی مورد انتظار را نخواهند داشت. از این‌رو درک و شناخت مشترک عملی مبتنی بر پایداری بین گروه‌های مختلف (ذینفعان، کشاورزان، واسطه‌ها، دولت، مصرف‌کنندگان و ...) و نیز توجه به ویژگی‌ها و قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری و نوابغ ذهنی کشاورزان و بخش کشاورزی، در تدوین سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی حائز اهمیت زیادی است. در این راستا با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اقلیمی، سرمایه اجتماعی، منابع، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و ... در مناطق مختلف کشور، ساخت، تدوین و اجرای یک سیاست واحد برای کل کشور ممکن است پاسخگو نباشد و نیاز به ساخت و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی محلی وجود دارد. این امر نیازمند مطالعه و امکان‌سنجی و بررسی محاسن و معایب آن برای تمرکززدایی و تفویض اختیارات به استان‌ها به همراه ایجاد یک سیستم متمرکز ملی است. ♦♦

London, UK

Pearson, C.J. (2013). Planning for agricultural sustainability. *International Journal of Agricultural Sustainability*, 11(1), pp. 1-3

Schaller, N. (1993) 'The concept of agricultural sustainability', *Agriculture, Ecosystems and Environment*, vol 46, pp. 89-97

Thompson, P.B. (2007). Agricultural sustainability: what it is and what it is not. *Int. J. Agric. Sustain.* 2007, 5, pp. 5-16, DOI

Talukder, B. Blay-Palmer, A. (2017) Comparison of methods to assess agricultural sustainability. In *Sustainable Agriculture Reviews*, 1st ed. Lichtfouse, E. Ed. Springer International Publishing AG: Basel, Switzerland, 2017; Volume 25, pp. 149-168

Van Pham, L. Smith, C. (2014) Drivers of agricultural sustainability in developing countries: a review. *Environ Syst Dec* 34(2):326-341

Velten, S. Leventon, J. Jager, N. Newig, J. (2015). What is sustainable agriculture? A systematic review. *Sustainability* 2015, 7, pp. 7833-7865

منابع

- مرید السادات، پگاه، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری؛ مهدی پورطاهری و حسین شعبانعلی فمی. (۱۳۹۷). تحلیل پایداری سیاست‌های کلان و بخشی کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*. دوره ۴۹ شماره ۱، صفحه ۴۳-۵۸.

- فلاح علی پور، سیاوش. (۱۳۹۷). الگویی برای ارزیابی پایداری کشاورزی: مطالعه موردی استان کرمان. رساله دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان به راهنمایی حسین مهربانی بشرآبادی.

- قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

- نجفی، غلامعلی و شمس السادات زاهدی. (۱۳۸۴). مسئله پایداری در کشاورزی ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. تابستان ۱۳۸۴، دوره ۶ شماره ۲ از صفحه ۷۳ تا ۱۰۶.

Bell, S. Morse, S. (2008). *Sustainability Indicators: Measuring the Immeasurable?* 2nd ed. Earthscan: London, UK, 2008; 978-1-84407-299-6

Jacobs, M. (1991). *The Green Economy*; Pluto: